



## امام علی(ع) عدالت را ترازوی خدا می‌داند که همه باید با آن سنجیده شوند

آیه ۱۱۱ سوره توبه صرفاً درباره جنگ و جهاد فیزیکی نیست، بلکه درباره یک «سبک زندگی» است؛ سبکی که در آن ثروت در خدمت محرومان، قدرت در خدمت عدالت، و جان در راه آرمان‌های انسانی هزینه می‌شود.

آیه ۱۱۱ سوره توبه صرفاً درباره جنگ و جهاد فیزیکی نیست، بلکه درباره یک «سبک زندگی» است؛ سبکی که در آن ثروت در خدمت محرومان، قدرت در خدمت عدالت، و جان در راه آرمان‌های انسانی هزینه می‌شود.

خبرگزاری مهر-گروه دین، حوزه و اندیشه: توجه دوباره به نهج البلاغه همزمان با آغاز نهضت اسلامی در اوایل دهه چهل شمسی است و متفکران انقلاب اسلامی به این کتاب شریف و مفاهیم آن توجه ویژه ای داشتند. اهتمام به این کتاب شریف را می‌توان در سخنرانی‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای در کنگره نهج البلاغه که نخستین بار در بهار ۱۳۶۰ ایراد شد، مشاهده کرد؛ ما امروز در دنیای اسلام - که درک و دریافت و بینش اسلامی در آن گاهی با فاصله‌هایی به اندازه‌ی فاصله‌ی ایمان و کفر از هم دور هستند - با واقعیتی مواجه هستیم. امروز آشکارترین و روشن‌ترین حقایق اسلامی به وسیله‌ی بعضی از مدعیان اسلام در کشورهای اسلامی نادیده گرفته می‌شود. امروز همان روزی است که شعارها یکسان است اما جهت‌گیری‌ها به شدت مغایر یکدیگر است، امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمؤمنین است، پس روزگار نهج البلاغه است.

در روزهای ماه مبارک رمضان که در مهمانی خدا شرکت می‌کنیم و در طرح قرآنی «زندگی با آیه‌ها» هر روز با یک آیه از قرآن کریم مأنوس هستیم، پسندیده است که آیه روز را از منظر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کتاب شریف نهج البلاغه نیز بررسی کنیم. آنچه در ادامه می‌خواند دریافت‌هایی از مضامین عالی نهج البلاغه پیرامون آیه ۱۱۱ سوره توبه است:

آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه، یکی از شورانگیزترین و در عین حال راهبردی‌ترین آیات قرآن کریم در تبیین رابطه انسان و پروردگار است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ...». در این تصویر قرآنی، خداوند خریدار، مؤمن فروشنده، جان و مال کالا، و بهشت بهای این معامله عظیم معرفی شده است.

این قرارداد الهی که در تورات، انجیل و قرآن بر آن تأکید شده، تنها یک وعده فردی برای رستگاری اخروی نیست، بلکه زیربنای یک تحول عمیق اجتماعی و فرهنگی است که در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه به زیباترین شکل تفسیر و عملیاتی شده است. نهج البلاغه به عنوان «إخ القرآن»، روح جاری در این آیه را در رگ‌های جامعه اسلامی تزریق می‌کند و ابعاد پنهان این «بیع» الهی را در بستر حیات جمعی بشر می‌گشاید.

در نگاه نخست، آیه ۱۱۱ سوره توبه یک چهارچوب ارزشی برای «ایثار» ترسیم می‌کند. زمانی که انسان می‌پذیرد مالک حقیقی او و دارایی‌هایش خداوند است، نگاه او به «ثروت» و «قدرت» از یک نگاه تملک‌گرایانه به نگاهی امانت‌دارانه تغییر می‌یابد. علی (ع) در جای جای نهج البلاغه بر این نکته پای می‌فشارد که دنیا نه قرارگاه، بلکه گذرگاه است. ایشان در خطبه‌های متعددی، از جمله خطبه ۲۸، دنیا را پشت‌کننده و آخرت را روکننده توصیف می‌کنند. این جهان بینی دقیقاً همان مبنای فرهنگی است که معامله با خدا را ممکن می‌سازد.

از منظر اجتماعی، وقتی جامعه‌ای به این باور برسد که جان و مالش وجه المصلحه با حقیقت مطلق است، از بند خودخواهی و انحصارطلبی رها می‌شود. در چنین فرهنگی، «مال» وسیله‌ای برای پیوند اجتماعی و رفع فقر می‌گردد و «جان» ابزاری برای استقرار عدالت. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۴۵۶ می‌فرماید: «خداوند سبحان غذا و نیاز فقرا را در اموال ثروتمندان قرار داده است.» این نگاه، مستقیم با بخش «اموالهم» در آیه توبه پیوند می‌خورد؛ یعنی فروش مال به خدا، در حقیقت به معنای بازگرداندن حق محرومان و سرمایه‌گذاری در مسیر خیر عمومی است که پاداش آن بهشتی ابدی است.

بعد فرهنگی این معامله در نهج البلاغه، در مفهوم «حریت» و آزادگی تجلی می‌یابد. کسی که با خدا معامله کرده، دیگر بنده و برده ساختارهای قدرت، ثروت‌های بادآورده و شهوات نفسانی نیست. علی (ع) در وصیت به امام حسن (ع) می‌فرماید: «بنده دیگری مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.» آیه ۱۱۱ سوره توبه، مانیفست این آزادی است؛ چرا که قیمت انسان را تنها بهشت برین می‌داند. در حکمت ۴۵۶ نهج البلاغه آمده است: «آگاه باشید که برای جان‌های شما قیمتی جز بهشت نیست، پس آن را به کمتر از آن بفروشید.»

این هشدار امام، یک زیربنای فرهنگی برای عزت نفس اجتماعی فراهم می‌کند. جامعه‌ای که بداند بهای جانش بهشت است،

زیر بار ذلت سیاسی و استعمار فرهنگی نمی رود. در واقع، این آیه و تفاسیر علوی آن، فرهنگ «شهادت طلبی» و «ایثار اجتماعی» را به عنوان عالی ترین سطح مشارکت مدنی معرفی می کنند. شهادت در نهج البلاغه، نه یک گریز از دنیا، بلکه انتخابی آگاهانه برای تغییر سرنوشت حق و باطل است.

از منظر جامعه شناختی، آیه ۱۱۱ سوره توبه و آموزه های نهج البلاغه به بازتعریف «سرمایه اجتماعی» می پردازند. در جوامع مادی، سرمایه بر پایه سود متقابل شخصی بنا می شود، اما در مدل علوی، سرمایه اجتماعی بر اساس «وفای به عهد» با پروردگار شکل می گیرد. آیه می فرماید: «قَاسَتْبَشِيرُوا بِيَعِيكُمْ الَّتِي بَايَعْتُمْ يَه» (پس بشارت باد بر شما به این معامله ای که انجام دادید). این بشارت، نوعی بهجت و نشاط جمعی ایجاد می کند که ناشی از هدفمندی حیات است.

علی (ع) در نهج البلاغه، جامعه ای را که از معامله با خدا رویگردان شده و به چرب و شیرین دنیا دلخوش کرده، جامعه ای مرده و بی تحرک توصیف می کند. ایشان در خطبه های جهاد (مانند خطبه ۲۷)، کوفیان را به دلیل سستی در این معامله توبیخ کرده و می فرمایند که آن ها با رها کردن جهاد (که همان فروش جان به خداست)، جامعه ذلت بر تن کرده اند. از این رو، آیه ۱۱۱ سوره توبه در پیوند با نهج البلاغه، عامل پویایی، تحرک و نظارت اجتماعی است.

علاوه بر این، پیوند میان «انفسهم» و «اموالهم» در آیه، نشان دهنده جامعیت نگاه اسلام به اصلاحات اجتماعی است. نهج البلاغه بر این نکته تأکید دارد که اصلاح فرهنگی (جان ها) بدون اصلاح اقتصادی (مال ها) میسر نیست و بالعکس. نامه های امام به کارگزاران، از جمله نامه به مالک اشتر، ترجمان اجرایی همین معامله الهی در سطح حاکمیت است. حاکمی که با خدا معامله کرده، مال مردم را بیت المال (مال خدا) می بیند و در حفظ آن می کوشد و جان خود را در راه خدمت به خلق فدا می کند.

اینجاست که معنویت آیه توبه به یک ساختار سیاسی و مدیریتی تبدیل می شود. در فرهنگ علوی، «مدیریت» خود یک میدان برای این معامله است؛ جایی که مدیر از میل به تملک و ریاست می گذرد تا رضایت خریدار حقیقی (خدا) را جلب کند.

در نهایت، آیه ۱۱۱ سوره توبه با تأکید بر اینکه این پیمان در تمام کتب آسمانی آمده، یک وحدت رویه تاریخی و جهانی برای بشر ترسیم می کند. نهج البلاغه نیز بر این فطری بودن تأکید دارد. امام علی (ع) عدالت را ترازوی خدا می داند که همه باید خود را با آن بسنجند. معارف نهج البلاغه به ما می آموزد که اگر جامعه ای فرهنگ «معامله با خدا» را جایگزین «معامله با هوای نفس» کند، به شکوفایی درونی و اقتدار بیرونی دست می یابد.

آیه ۱۱۱ سوره توبه صرفاً درباره جنگ و جهاد فیزیکی نیست، بلکه درباره یک «سبک زندگی» است؛ سبکی که در آن ثروت در خدمت محرومان، قدرت در خدمت عدالت، و جان در راه آرمان های انسانی هزینه می شود. نهج البلاغه به عنوان نقشه راه این سبک زندگی، به ما می گوید که پیروزی نهایی (فوز عظیم) تنها زمانی حاصل می شود که پیوند میان انسان و خدا از سطح کلمات به سطح رفتارهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی ارتقا یابد. این همان مسیری است که انسان را از بن بست های مادی رهانیده و به افق روشن «بشارت الهی» هدایت می کند.